

# انسان‌ها هیچ‌جا خانه نمی‌شود

نویسنده: مت هیگ

مترجم: گیتا گرکانی



هیرمند

مجموعه‌ی شهرزاد

## فهرست

- مقدمه: امیدی غیر منطقی در برابر ناملايمات چشمگیر..... ۱۱
- بخش ۱: خودم قدرتم را در اختيار گرفتم..... ۱۳
- مردی که من نبودم..... ۱۵
- کلمات مترادف و امتحانات ابتدایی دیگر برای یک زبان آموز..... ۱۸
- تکساکو..... ۲۵
- کورپوس کریستی..... ۳۱
- لباس‌های انسانی..... ۴۰
- پرسش‌ها..... ۴۲
- قهوه..... ۴۵
- آدم‌های دیوانه..... ۴۸
- مجذور ریشه‌ی ۹۱۲، ۶۷۳..... ۴۹
- گاوه‌های مرده..... ۵۴
- جهان به مثابه اراده و باز نمود..... ۵۶
- فراموشی..... ۶۲
- شماره‌ی ۴ کمپین رو..... ۶۵
- جنگ و نمایش پول..... ۶۸
- یک بیگانه..... ۷۲
- شروع عملیات..... ۷۵

## مردی که من نبودم

خوب، جریان از چه قرار است؟  
آماده‌اید؟

بسیار خوب. نفسی بکشید. برایتان می‌گویم.

این کتاب، این کتاب بخصوص، درست اینجا، روی زمین، اتفاق افتاده. در مورد این است که کشتن یک نفر، و نجاتش چه بهایی دارد. در مورد عشق و شاعران مرده و کره‌ی بادام‌زمینی است. در مورد ماده و غیرماده، همه‌چیز و هیچ، امید و نفرت است. در مورد یک مورخ مؤنث چهل و یک‌ساله است به اسم ایزابل و پسر پانزده‌ساله‌اش به اسم گالیسور و باهوش‌ترین ریاضیدان دنیا. خلاصه، درباره‌ی این است: چگونه انسان شوید.

اما بگذارید چیزی را بگویم که در آن تردیدی نیست. من انسان نیستم. آن اولین شب، در سرما و تاریکی و باد، اصلاً به چنین چیزی نزدیک هم نبودم. قبل از آنکه در گاراژ کازموپولیتن را بخوانم هرگز این زبان نوشتاری را ندیده بودم. می‌فهمم برای شما هم بی‌سابقه است. برای اینکه به شما نشان بدهم مردم اینجا چطور با داستان‌ها برخورد می‌کنند، باید این کتاب را به شیوه‌ی یک انسان بنویسم. کلماتی که به کار می‌برم انسانی‌اند،